

وقتی مه توی سکوت می آید

قسمت آخر

ایلیا موسایی | یک لحظه همه دنیا توی سکوت فرو رفته بود و بعد ناگهان دیدم یک نفر محکم به شیشه می‌زد و مدام تکرار می‌کرد، «حالت خوبه؟... حالت خوبه؟»، من فقط نگاهش می‌کردم. حس می‌کردم مثل ماهی‌هایی هستیم که توی آکواریوم گیر افتاده‌ایم و آدم‌ها آن بیرون ما را تماشا می‌کنند. صدای خرد شدن استخوان‌های آن آدمی که زیر گرفته بودیم نمی‌گذاشت حرفی بزنیم. یک جایی از مغز یا حنجره‌هایمان را طلسم کرده بود و نمی‌گذاشت دم بزنیم. مرد کاپشن‌پوش همچنان به شیشه می‌زد. حالا سوزنش روی «بقیه خون؟»، گیر کرده بود. هیکل گنده خاله طوری خمیده بود که انگار کله‌اش را به‌زور بین دوتا صندلی جلو جا کرده باشد و همانجا گیر افتاده. از روی توده خاله می‌توانستم آن سمت را که نازی نشسته بود ببینم. فقط دست کوچکش را می‌دیدم و قطره‌های سرخی که روی شیشه شکت زده بود. ایرنگ‌ها نصفه‌نیمه عمل کرده بود. فقط همانی باز شده بود که سمت زن عمو بود. می‌دانستم حتما دماغش را توی صورتش له کرده که حالا ساکت، عین آدم خواب، گردنش را کج کرده و تکان نمی‌خورد. عمو دودستی فرمان را چسبیده بود و مثل آدم‌های افسون زل زده بود به جلو و چیزهایی زیر لب تکرار می‌کرد. عقل از سرش پریده بود. مرد بیرون شیشه حالا بند کرده بود به دسته در که بازش کند. پایش را تکیه داده بود به بدنه و دسته را پرمصد بالا‌پایین می‌کرد و می‌کشید. من زبانه کوچک روی در را با انگشت بالا دادم و بکپو تمام بدنم آوار شد روی برف. در باز شده بود و موجی از سرما مثل تیغی بزرگ روی پوست‌های ما سرید. طعم برف را زیر زبانم حس می‌کردم و بوی سردش تیغه دماغم را می‌سوزاند. دیدم برف پر از لکه‌های قرمز شده. به صورتم دست زدم و دست زدم و دست زدم، خون از دماغم بود. وقتی در باز شده بود همراه سرما موجی از صدا و فریاد آدم‌های بیرون هم حمله کرده بود به گوش‌هایمان. حالا یکی داشت داد می‌زد، «یه نفر زیر ماشین... بیا یکی اینجاست... گیر کرده، بعد آن یکی ماشین را دیدم. از روبه‌رویمان آمده بود و فقط یکی‌شان را می‌دیدم که چانه‌اش چسبیده بود به سینه‌اش و صورتش را نمی‌دیدم. بعد از آن مه شروع می‌شد و خودش را روی تمام جاده و کوه‌ها و آسمان می‌کشید. همه چیز خاکستری بود. یک نفر ایستاده بود کنار پوزه ماشین که حالا مجاله و جمع بود. داد می‌زد، «مقصر اینه... کشیده به چپ، داشت به ماشین ما اشاره می‌کرد و دلم می‌خواست بلند شوم و با مشت بکوبم توی صورتش. باز چیزهایی گفت. با دست هایش اشاره می‌کرد و برای همه داشت توضیح می‌داد چه شده و تصادف دقیقاً چطور اتفاق افتاده. عمو از سمت خودش پیاده شده بود و مدام دور ماشین روبه‌روی می‌چرخید و هی به شیشه می‌زد. ولی آدم‌های توی آن ماشین مثل خواب‌ها بودند. نه جواب می‌دادند و نه تکان می‌خوردند. همین باعث شده بود عمو دیوانه‌تر شود و بیشتر تقلا کند. به شیشه‌ها می‌زد و التماس می‌کرد جوابش را بدهند. درهای آن یکی ماشین هم باز نمی‌شدند. من روی برف یخ کرده بودم. اما نمی‌شد تکان بخورم. نگاه کردم دیدم خون روی لباسم چکه می‌کند و بند نمی‌آید. عمو حالا آمده بود سراغ ماشین خودمان. در سمت رنش را باز کرد و شانه‌های زن عمو را محکم تکان می‌داد. سر زن عمو که تکان خورد لکه خون را دیدم که روی کیسه بادکنکی ایرنگ پاشیده. عمو به زنجمره افتاده بود و دست بر نمی‌داشت. یادم هست آسمان و تمام ماشین‌ها چرخیدند و برف زمین محکم خورد به بشقیقه‌ها. تا اینکه توی آمبولانس چشم باز کردم. طول کشید تا بفهمم توی آمبولانسم. اپراتورها باهم حرف می‌زدند و مرده‌ها را می‌شمردند. من می‌خواستم خودم را از روی تخت باریک توی اتاقک بکنم و ازشان بخواهم بگویند چه کسانی مرده‌اند؟ از کدام ماشین؟ بچجانید؟ ولی بدنم منجمد بود و انگار حرکت نمی‌کرد...

دستگیری ۴۸ سارق در طرح ۷۲ ساعته



سیرجانی‌ارئیس پلیس آگاهی استان خراسان رضوی از دستگیری ده‌ها سارق زن و مرد در طرح ضربتی ارتقای امنیت اجتماعی خبر داد. سرهنگ جواد شفیع‌زاده در تشریح جزئیات این خبر گفت: مأموران پلیس آگاهی استان در راستای ارتقای امنیت محله محور با اجرای عملیاتی هفتادودو ساعته در سطح مشهد موفق به دستگیری ۴۸ سارق زن و مرد شدند. این مقام ارشد پلیس آگاهی استان افزود: متهمان به‌دام افتاده در تحقیقات پلیسی تاکنون به ۱۶۴ فقره انواع سرقت شامل زورگیری، کیف‌قاپی و انواع جرائم خشن و سایر سرقت‌ها اعتراف کرده‌اند. متهمان پس از تشکیل پرونده قضایی به مراجع قضایی معرفی شدند.

شرکت هری فرو ریخت



قرآنی‌کار آگاهان پلیس آگاهی استان در عملیاتی ضربتی اعضای باند یک شرکت هرمی رادر مشهد شناسایی و دستگیر کردند. کارآگاهان پلیس آگاهی استان با اشراف اطلاعاتی و کسب گزارش به‌دست آمده مبنی بر تبلیغات گسترده یک شرکت هرمی که در زمینه بازاربایی شبکه‌ای غیرمجاز فعالیت می‌کرد، پیگیری موضوع رادر دستور کار خود قرار دادند. مأموران با انجام اقدامات اطلاعاتی اعضای این باند را شناسایی و هجده نفر را باهما هنگی مقام قضایی دستگیر کردند. متهمان دستگیرشده پس از تشکیل پرونده مقدماتی به مراجع قضایی معرفی شدند.

سرقت شادی در تالارهای عروسی

یک زن و شوهر به همراه ۳فرزندشان هنگام دزدی از مهمانان یک تالار دستگیر شدند



عکس:شهریار

در قسمت مردانه ضمن لذت بردن از بزم این مجلس شادی، گوشی تلفن همراه و گاهی پول جمع‌آوری شده شب‌باش داماد به گفته سرهنگ نگهبان، فرمانده انتظامی مشهد، مستنداتی در این پرونده کشف شد که نشان می‌داد متهمان از پنج ماه قبل این سرقت‌ها را آغاز کرده‌اند و تاکنون هفت گوشی تلفن همراه را به‌یک تبعه خارجی برای قاچاق به خارج از کشور فروخته‌اند. همچنین گاهی این افراد باج‌ا زدن خود به عنوان نیروهای خدمه تالارها اقدام به سرقت می‌کرده‌اند. یکی از نکات مهم در این پرونده اخراج مادر و دختر از محل کارشان در یک کارخانه، به علت سرقت بوده‌است. تحقیقات از متهمان برای کشف دیگر سرقت‌های احتمالی و شناسایی و دستگیری افراد مال‌خر ادامه دارد.

درمانی، مدارک خودرو و سمعک سرقت شده کودک کم‌شنا کشف شد.

● طراحی نقشه زنانه

متهمان در تحقیقات تکمیلی درروبارویی با مستندات کشف شده از مخفیگاه‌شان و شناسایی تعدادی از مال‌باختگان از روی مدارک کشف شده تاکنون به ۲۳ فقره سرقت از تالارهای برگزاری مجالس عروسی اعتراف کرده‌اند. در تحقیقات از اعضای این خانواده که غیربومی و از اهالی یکی از استان‌های جنوبی کشور هستند آشکار شد که نقشه سرقت‌ها را زن جوان طراحی می‌کرده است. در ادامه مشخص شد مادر و دختر در قسمت زنانه به ربودن کیف و گوشی تلفن همراه رها شده مهمانان اقدام می‌کرده‌اند و پدر که فردی سابقه‌دار بوده به همراه دو پسر یازده و شش ساله‌اش نیز

گوشی تلفن همراه، طلاجات و لباس‌های مجلسی از تالارهای محدوده خیابان ستایش روبه‌رو شد.

● ردپای یک پیکان در پرونده

با توجه به افزایش سرقت‌ها، اقدامات میدانی در دستور کار قرار گرفت و مأموران ضمن برگزاری جلسات توجیهی برای متصدیان تالارهای عروسی حوزه استحفاظی، در پیشگیری از سرقت‌های مشابه، به‌سرنخ‌هایی از تردهای مشکوک سرنشینان یک دستگاه پیکان سواری در تالارهای مورد دستبرد دست یافتند. تحقیقات برای شناسایی و دستگیری راننده پیکان ادامه یافت تا اینکه یکی از متصدیان تالارهای همان محدوده در تماس با پاسگاه، از درگیری دو مهمان ناخوانده با صاحب مجلس گزارش داد.

● شناسایی ۲مهمان ناخوانده خوش‌پوش سروان طبیی، فرمانده پاسگاه هلالی با توجه به مشخصات ظاهری اعلام شده و پرونده بازی که روی میزش بود، بلافاصله به همراه تیمی از عوامل انتظامی به محل رفت.

با بررسی‌ها در محل مشخص شد زنی حدودا سی و هشت ساله به همراه دختری نوزده ساله در حال ورود به تالار بوده‌اند که صاحب مجلس به آن‌ها مظنون شده و در پرسش از آن‌ها که به دعوت چه‌کسی به این مجلس آمده‌اند با آن‌ها درگیری لفظی پیدا می‌کند.

بازگشت به خانه عریان

شهروند مشهدی پس از ۵ سال به ایران آمد و با صحنه‌ای غیر منتظره روبه‌رو شد

مهدی قرآنی‌ا گزارش سرقت از یک خانه مسکونی در محدوده بولوار خیام مشهد به پلیس، تیمی از مأموران پایگاه غرب پلیس آگاهی را به صحنه جرم کشاند. با حضور کارآگاهان پلیس در محل و انجام بررسی‌های اولیه مشخص شد که مالک این خانه به مدت پنج سال خارج از ایران زندگی می‌کرده و پس از بازگشت به کشور و مراجعه به خانه‌اش متوجه می‌شود در زمان نبودنش، سارق یا سارقان ضمن ورود غیر مجاز و تخریب بخش‌هایی از ملک شخصی‌اش لوازم و تأسیسات آن را سرقت کرده‌اند. متهم با متهمان پرونده تمامی تأسیسات ساختمانی

شامل در برقی، شانزده دستگاه رادیاتور، سه دستگاه آیفون تصویری، تمامی قفل‌ها و دستگیره‌ها، سیستم‌های تهویه، سه دستگاه پمپ استخر و جکوزی، برد در برقی و هفت دستگاه کولر گازی را سرقت کرده‌اند.

کارآگاهان پلیس در حالی تحقیقات خود را آغاز کردند که هیچ ردپایی از عاملان این سرقت در دست نداشتند. مأموران قانون پس از بررسی‌های دقیق محل و رصد میدانی به سرنخ‌هایی دست یافتند که نشان از ترده مشکوک دو مرد میان‌سال با یک دستگاه خودرو سواری براید سفیدرنگ، داشت. کارآگاهان

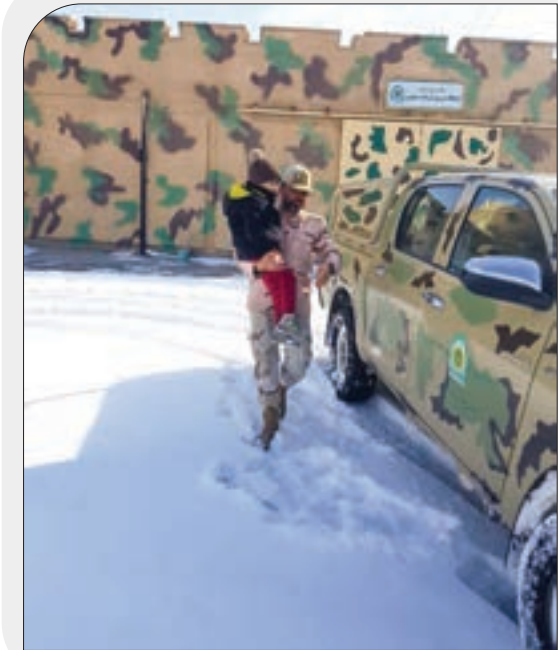


عکس خبر

عملیات امدادی مرزبانان

در کولاک

قرآنی‌ا فرمانده هنگ مرزی سرخس از نجات جان یک خانواده گرفتار در برف و کولاک خبر داد. سرهنگ محمد محمودی در تشریح جزئیات این خبر گفت: مرزبانان هنگ مرزی سرخس در راستای تأمین امنیت حین گشت‌زنی در حوزه استحفاظی گروهان پل خاتون متوجه شدند که یک خانواده به دلیل نقص فنی خودرویشان در مسیر گرفتار کولاک شده‌اند. این مقام مرزبانی سرخس افزود: مرزبانان بلافاصله این خانواده سه‌نفره را به پاسگاه مرزی انتقال دادند و پس از تثبیت شرایط جوی خودرو این خانواده که یک دستگاه کامیون بود را نیز به پاسگاه انتقال دادند.



جدول ۳۶۶۵																			
چرب‌زبان سریال اوشین	کوچ کردن عضو صورت	عددهامه مه‌ره ماسوره	خروس صحراایی حرارت	نوعی کالپاسی نپذیرفتن	از پیامبران الهی	رفیق سوزن ماده بیبهوشی	پروردگار اهداف لاابایی	دارایی‌ها موز اسم ترکی											
								همه داریم خبا‌ز											
جامه مادر ورزش‌ها			سیاهی چشم ناصاف			اسب زورو سرگشته													
	استانی در عربستان راست			صفت پاییز گریختن															
آب‌خورده تکیه‌دادن			فنی			مادر فلزات		یازنجیر مکتب هنری واقعیت‌گرایی											
	بایرکت پسر جنگل			رازونیز															
		شاخه ووشو																	
از اناجیل اربعه خوگرفتن																			
	عزیزعرب محنت																		
کشیدن شهری در کرمان																			
شتر مرغ امریکایی درو‌دگر																			